

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی
www.haftegi.com

۶۷

۲۶ مرداد ۱۳۸۰

۱۷ اوت ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

پرونده ای که
بسته میشود
صفحه ۳

تلاش اسلامی ها
شکست خورد!
صفحه ۴

به
حزب کمونیست کارگری
کمک مالی کنید!

رادیو انترناسیونال
۲۵ متر
۱۱۶۳۵ کیلو هرتز
۹ تا ۹:۴۵ شب
بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید
radio7520@yahoo.com
تلفن 0044 7714611099
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

سوسیالیسم عملی است چون انسانی است!

گفتگو با حمید تقوایی
درباره امکانپذیری سوسیالیسم



رژیم نشاندهنده افلاس و بن بست سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظامی است که برای حفظ خود به چنین رژیم جمهوری اسلامی منحط ترین و ارتجاعی ترین نوع حکومت سرمایه داری است، باید آخرین

صفحه ۲

مذهب و ناسیونالیسم و فرهنگ و اخلاقیات عقب مانده ملی-اسلامی سازش کند، مساله اختناق و فقر و نابرابری که در جامعه امروز ایران بیداد میکند را حل نکرده، بلکه تنها روپوش اسلامی آنرا عوض کرده است. جمهوری اسلامی را باید همراه کل نظام تولیدی و اجتماعی که پاسدار آنست یکجا از ریشه کند. نفس وجود این

مردم چرا باید جمهوری سوسیالیستی را انتخاب کنند؟ **حمید تقوایی:** هر کس آزادی و رفاه و برابری میخواهد باید جمهوری سوسیالیستی را انتخاب کند. آلترناتیوهای دیگر مساله مردم را حل نمیکند تنها صورت مساله را عوض میکنند. هر "آلترناتیوی" که ارکان جامعه طبقاتی را حفظ کند، سرمایه و با استثمار را مقدس بشمرد، و با

هفتگی: تحولات سیاسی آتی در ایران، انتخاب بین آلترناتیوهای راست و چپ در جامعه و انتخاب نوع حکومت آتی را بناگزیر هر چه بیشتر به سمت مرکز توجه مردم میراند. در قطب چپ جامعه حزب کمونیست کارگری ایران آلترناتیو جمهوری سوسیالیستی را تبلیغ میکند و برای برقراری آن تلاش میکند. از نظر شما



حجاریان و دوم خرداد در خارج کشور

آذر ماجدی

حیرت زده باقی میگذارد که چگونه در این چهار سال گذشته این چنین سینه چاک از جمهوری اسلامی دفاع کرده اند. چگونه همین دو ماه پیش با عجز و لابه از مردم تقاضا میکردند که به پای صندوق های رای بروند. و چگونه بخش اعظمشان در همان زمانی که از طرف

صفحه ۳

افاضات حجاریان، "مغز متفکر" جنبش دوم خرداد، درباره مهاجرت میلیونی مردم از ایران، دوم خردادی های خارج کشور را چنان برآشفته و آزرده خاطر کرد که برای اولین بار دهان به افشای جنایات جمهوری اسلامی گشودند. در این افشاکاری ها نیز نهایت خست در حقیقت گویی را بخرج دادند. ولی همین نیمه حقایقی که بر روی کاغذ آوردند انسان را



"حق اعتصاب" در بازار سیاست ایران! مصطفی صابر

اتحادیه ای سالهای ۲۰-۳۲ وصل کند. او حتی بر روی حرف امام خمینی اش که گفته بود "اعتصاب حرام است" حرف آورد. او گفت که چطور در زمان وزارت عبدالله نوری در وزارت کشور کارگران اعتصابی

صفحه ۴

علیرضا محبوب مهره کار کشته رژیم اسلامی در مهار و سرکوب جنبش کارگری، علنا طرفدار حق اعتصاب برای کارگران شده است! هفته گذشته در جلسه تحکیم وحدت، محبوب کوشید خود را به اعتراضات اولیه کارگران در سال ۱۲۹۹ که توسط کمیونستها رهبری میشد و یا به جنبش

علیه اعدام و شلاق بپاخیزید!

مردم مبارز، جوانان آزادیخواه!

صحنه به جرتقیل کشیدن مردم، اعدام و کشتار رسمی، صحنه کت بستن و شلاق زدن جوانان در چند روز اخیر با فریاد خشم و انزجار مردم در ایران روبرو شده است. کار مردم با این جانیان به رودرویی و درگیری کشیده. مردم با این اعتراضاتشان اعلام کرده اند که شلاق زدن و اعدام، این جهمی که از برکت اسلام و جمهوری اسلامی در ایران بر پا شده، غیر انسانی و دون شان مردم ایران است. جوانان را برای پشت کردنشان به دین و مذهب و حکومت، برای زندگی کردن، خواست آزادی و نشاط، فلک میکنند. با یکدیگر چک و چانه میزنند که به چه شیوه مناسبی شلاق بزنند، به چه شیوه مناسبی فلک کنند، دست ببرند و به جرتقیل بکشند. دارند بر سر سوزان تر کردن جهنم اسلام در این مملکت و برای سوزاندن زندگی و هست نیست مردم با هم چک و چانه میزنند. همگیشان برای حفظ این نظام و قوانین ارتجاعی، برای بریدن دست و زدن شلاق توافق کامل دارند.

همگیشان باید بروند. مردم از دست خشونت، از دست بی حرمت کردن جوان این مملکت، از دست اعدام و نمایش کشتار به تنگ آمده، خواستار به زیر کشیدن کل این حکومت هستند. صدای اعتراض علیه شلاق و اعدام همه جا بلندتر میشود. به صف این اعتراض و مبارزه بیوندید. بیاید صدای اعتراض جوانان را همه جا طنین انداز کنیم. بیاید کاری کنیم که بساط شلاق و خشونت به همراه بانیان آن یکباره از این مملکت جارو شود. مردم ایران لیاقت زندگی و دنیایی بهتر از این را دارند. به کمپین سراسری سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران علیه شلاق و اعدام جوانان بیوندید. در هفته آینده در کشورهای مختلف کمیتههای اعتراضی وسیعی را برپا خواهیم کرد. همه شما مردم آزادیخواه را به شرکت در این آکسیونهای اعتراضی فرامیخوانیم. تاریخ و محل دقیق این آکسیونها متعاقبا به اطلاع عموم خواهد رسید.

کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست
۲۵ مرداد ۱۳۸۰ - ۱۶ اوت ۲۰۰۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سوسیالیسم عملی است ۰۰۰

آن نیز حکم مردمی است که نمیخواهند یکبار دیگر از چاله بچاه بیفتند. حکم زمانی است که دیگر نمیخواهند هیچ نوع نابرابری و تبعیض و تحقیر را تحمل کنند، حکم کارگرانی است که نمیخواهند ثمره کارشان به یغما برود و خود و خانواده شان با فقر مطلق دست و پنجه نرم کنند، حکم همه کسانی است که یک جامعه سکولار، مدرن، انسانی و رها از هر نوع تبعیض و استثمار و نابرابری میخواهند.

مبانی سیاسی و اقتصادی این جامعه در برنامه حزب ما، برنامه ای که از همان بدو استقرار جمهوری سوسیالیستی باید اعلام و عملی شود بیان شده و بروشنی توضیح داده شده است. جمهوری سوسیالیستی از نظر سیاسی به شوراها، یعنی مردم، دخالت و اعمال اراده مستقیم و مستمر مردم در اداره امور جامعه مبتنی است، در سطح اقتصادی جمهوری سوسیالیستی استثمار سرمایه داری و کار مزدوری را ملغی خواهد کرد و اصل از هر کس باندازه توانایش و به هر کس باندازه نیازش را سرلوحه سیاستهای خود قرار خواهد داد. جمهوری سوسیالیستی بساط مذهب و قوانین مذهبی را تماما از دولت و نظام قضائی و حقوقی و اجتماعی بر خواهد چید و یک نظام سکولار و بری از تعصبات مذهبی و ملی و قومی را مستقر خواهد ساخت. در این نظام زن با مرد کاملاً برابر خواهد بود و هر نوع تبعیض و نابرابری قانونی و حقوقی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در حق زنان لغو خواهد شد، اقلیتهای قومی و ملی از حقوق برابر و یکسان برخوردار خواهند بود، و آزادی بیان و قلم و تحزب و اعتصاب و تظاهرات برای همه و بدون قید و شرط برسمیت شناخته خواهد شد. در یک کلام نظام سوسیالیستی مبتنی است بر حفظ حرمت انسانی و تامین رفاه و آزادی انسان. و تنها سوسیالیسم میتواند واقعا و عملاً چنین تحول عظیمی را در جامعه ایران بوجود آورد چون سد و مانع اصلی در برابر این تحول، یعنی سرمایه را از میان بر خواهد داشت.

هفتگی: اما در کمپ مقابل

میگویند که سوسیالیسم امکانپذیر نیست و یک دلیل آنرا شکست تجربه شوروی ذکر میکنند که بعد از ۷۰ سال این بلوک قدرتمند فروپاشید. پاسخ شما چیست؟ **حمید تقوائی:** بخش اعظم کسانی که میگویند سوسیالیسم عملی نیست خود جزء نیروهای هستند که نمیخواهند و نمیگذارند سوسیالیسم عملی شود. تمام دستگاه های حکومتی در تقریباً تمام کشورها از آمریکا تا اروپا و کشورهای جهان سوم با تمام قدرت سرکوب و پلیس و ماشین عظیم تبلیغی در برابر سوسیالیسم سد بسته اند و همین ها هم مدام دارند تبلیغ میکنند که سوسیالیسم عملی نیست! اگر واقعا سوسیالیسم عملی نیست باید پرسید این مقاومتها و این سرکوب مستمر چندین ده ساله سوسیالیستها و کمونیستها بخاطر چیست؟ این دستگاه مخوف پلیسی که در تمام کشورها بساطش را پهن کرده و قبل از هر چیز کمونیستها را نشانه رفته است دارد چکار میکند؟ اگر سوسیالیسم عملی نیست از چه میترسید؟ حقیقت اینست که نمیگذارند عملی شود. دولتها، احزاب و نیروهای راست و ارتجاعی ده ها سال است که دارند علیه سوسیالیسم میجنگند. یک جنگ تمام عیار تبلیغی و فرهنگی و پلیسی و نظامی. تجربه شوروی هم در نهایت بخشی از این جنگ بود. بعد از پیروزی انقلاب اکتبر بورژوازی روسیه بسادگی کنار نکشید. دوباره به صحنه بازگشت و این بار با اسم انقلاب همان اهداف بورژوازی صنعتی روس را دنبال کرد. سوسیالیسم به سرمایه داری دولتی ترجمه شد و آرمان برابری و آزادی جای خود را به ایجاد یک روسیه صنعتی قدرتمند و قابل رقابت با سرمایه داری غرب داد. سوسیالیسم در روسیه شکست نخورد، بلکه اصولاً نگذاشتند مستقر شود. آنچه فروپاشید سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم بود. تجربه شوروی، اگر بدرستی و بدور از هیاهوی تبلیغاتی غرب بررسی شود، تنها ورشکستگی سرمایه داری دولتی در مقابله با سرمایه داری بازار آزاد بلوک غرب را نشان میدهد و هیچ ربطی به سوسیالیسم ندارد. تمام بحث عملی بودن سوسیالیسم، با و یا بدون رجوع به تجربه شوروی، اساساً یک سؤال سیاسی است. از نظر اقتصادی و

اجتماعی سوسیالیسم عملی ترین نظام عصر ماست، کافیت تا پلیس و ماشین سرکوب را کنار بزنید تا این حقیقت بر همه روشن شود.

هفتگی: نکته دیگری که مطرح میشود اینست که سوسیالیسم عملی نیست چون رقابت و فردیت در آن جایی ندارد. مشخصاً میگویند بدون رقابت جامعه را نمیشود جلو برد، در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوائی: اگر جوامع طبقاتی که امروز انسانها در آن زندگی میکنند را معیار بگیریم، یعنی جوامعی که در آن رقابت اصل است و هر فرد باید به تنهایی کسب کند، در جنگل سرمایه داری آزاد که قانون بکش یا کشته شو، ورشکست کن و یا ورشکست شو در آن حکمفرماست، طبیعی است که در این جوامع بدون رقابت امری پیش نمیرود. در این جوامع نمیشود بالا رفت بی آنکه پا روی گلوی دیگران گذاشت. اما زندگی بشری چیزی بسیار فراتر و عالیتر از اینست. این نظام سرمایه داری است که بشریت را به این حضيض انداخته است. اگر جامعه ای ایجاد شود که طبقات در آن جایی نداشته باشند و سود و سود پرستی قوه محرکه آن نباشد چنین جامعه ای برای پیشرفت و تعالی نیازی به رقابت نخواهد داشت. بلکه رفاه عمومی هدف و نیروی محرکه تولید خواهد بود. حتی در همین جوامع امروزی هم اگر کمی از مناسبات تولیدی و کاری بین انسانها فاصله بگیریم میبینیم که نوعدوستی و تعاون انگیزه فعالیت انسانهاست و نه رقابت. بعنوان نمونه روابط خانوادگی، روابط بین اعضای یک فامیل بر مبنای همکاری و نوعدوستی و تامین رفاه جمعی است و نه خودخواهی و رقابت. نمونه دیگر موقعیتهایی است که اعضای یک جامعه، یک محله و یا یک شهر با یک سانحه طبیعی نظیر سیل و زلزله و آتش سوزی مواجه میشوند. در این موارد هم آنچه همه را به تحرک و فعالیت و میدارنده نه رقابت و منافع شخصی بلکه تامین رفاه و آسایش همگانی است. چرا نمیشود مناسبات تولید هم بر همین مبنای تامین رفاه جامعه سازمان داده شود؟ چرا باید همین افراد، در محیط کار، در کارخانه و اداره و مغازه

گریبان یکدیگر را بدرند و بجان هم بیفتند؟ پاسخ روشن است: سود سرمایه چنین ایجاب میکند. هیچ چیز طبیعی و انسانی و غریزی در رقابت وجود ندارد.

هفتگی: استدلال دیگری که علیه امکانپذیری سوسیالیسم مطرح میشود و بویژه در مقابل برنامه حزب کمونیست کارگری بعضاً رنگ ایرانی هم به استدلال میزنند، اینست که میگویند این حرفها خوب است اما تخلیلی و غیر عملی است زیرا اقتصاد ایران عقب مانده است و پول و ثروت کافی برای ایجاد این حد رفاه وجود ندارد، یا اینکه مردم ایران باین حد از فرهنگ و رشد سیاسی و اجتماعی نرسیده اند. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: در این گفته که "پول و ثروت کافی برای تامین رفاه مردم وجود ندارد" کلمه کلیدی رفاه مردم است. پول و ثروت کافی وجود دارد، ولی نه برای رفاه مردم. "صرف نمیکند" آنرا خرج رفاه عمومی کنند! حتی در همین ایران امروز، در همین اقتصاد به افلاس افتاده جمهوری اسلامی، آنقدر ثروت هست که بتوان در فردای سرنگونی رژیم رفاه عمومی را به سطح بیسابقه ای در تاریخ معاصر ایران ارتقا داد. تنها اقلام نجومی که صرف ارتش و سپاه و کمیته و زندان و دارو دسته های حکومتی میشود، و یا در بانکهای اروپائی بحساب خیل آخوندهای حاکم سرازیر میشود را در نظر بگیرید، با خواباندن این دستگاه بی در و پیکر مفتخوری ثروت عظیمی آزاد خواهد شد که میتوان آنرا صرف رفاه عمومی کرد و سطح زندگی مردم را به سرعت و بنحو چشمگیری ارتقا داد. و این تازه شروع کار است. در جامعه سوسیالیستی تولید ثروت اساساً متحول خواهد شد و با هدف تامین رفاه عمومی جامعه صورت خواهد گرفت. میگویند "اقتصاد ایران عقب مانده است". من میپرسم برای تولید ثروت به چه عواملی نیاز هست؟ این سؤال مستقل از اینکه چه ایدئولوژی ای داشته باشید، در هر مناسبات تولیدی پاسخ روشن و ساده ای دارد: نیروی کار، وسائل تولید و مواد اولیه، اینها سه جزء لازم برای تولید ثروت در هر جامعه ای است. حالا اقتصاد ایران عقب مانده است یعنی چه؟ نیروی کار کم داریم؟! منابع و

مواد اولیه نداریم؟ وسایل تولید، کارخانه و تکنولوژی تولید نداریم، یا نمیتوانیم داشته باشیم و بکار بیاندازیم؟ کارخانه و تکنولوژی تولید را میشود ساخت و یا وارد کرد و فرا گرفت، از نظر منابع و مواد اولیه نیز که هنوز بخش اعظم منابع موجود، نظیر انرژی خورشیدی، دست نخورده و بلااستفاده مانده است، از نظر نیروی تولید و بازوهای آماده بکار نیز چه در سطح جامعه ایران و چه در سطح جهانی با چنان افزایش جمعیتی روبروئیم که از آن با عنوان بپ جمعیت یاد میکنند. آنچه در واقع عقب مانده و غیر عملی است مناسبات سرمایه داری است. این اصل تولید بخاطر سود است که اجازه نمیدهد نیروی کار عظیم انسانی و وسایل تولیدی پیشرفته موجود در خدمت رفاه جامعه بکار گرفته شود. این نظام مبتنی بر سودآوری است که نیروی کار مولد ثروت را "بمب جمعیت" مینامد و میلیونها نفر از آنانرا بیکار و بی تامین و در فقر مطلق رها میکند. سوسیالیسم عملی است چون انسانی است، چون تنها راه رهایی انسان از توحش سرمایه داری است.

ایراد عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی هم به همین اندازه پوچ و بی پایه است. آیا این به اصطلاح عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی باعث شده است که مردم ایران اتمبیل و یخچال و تلویزیون و ساتالایت دیش و کامپیوتر و اینترنت نخواهند و یا نتوانند از آن استفاده کنند؟ بشر امروز در یک دهکده بزرگ جهانی زندگی میکند. آخرین دستاوردهای علمی و فرهنگی و تکنولوژیک هر جامعه به سرعت فراگیر و همگانی میشود. این میل به پیشرفت و مدرنیسم چنان در جوامع امروزی، و بویژه جامعه ایران که دو دهه است زیر فشار ارتجاع جمهوری اسلامی بخود میپیچد، قوی است که حتی رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی نمیتواند آنرا سد کند. جامعه ای که این چنین با استقبال آخرین دستاوردهای علمی و فرهنگی و تکنولوژیک بشری میرود سوسیالیسم را هم با آغوش باز خواهد پذیرفت. آنچه جامعه پس میزند شرقزدگی و آن فرهنگ و سنن و اخلاقیات ملی-اسلامی عقب مانده ایست که میخواهند باسم "فرهنگ خودمان" به مردم قالب کنند. ■

از صفحه ۱ **حجاریان و دوم خرداد ۰۰**

رهبر فکریشان بعنوان آغاز "دومین موج مهاجرت" معرفی شده است، یعنی کودتای خونین ضدانقلابی اسلامی ۳۰ خرداد ۶۰، در کنار و دوش بدوش مزدوران جمهوری اسلامی در سرکوب مردم، آزادیخواهان و کمونیست ها شرکت کردند و مقدمات مهاجرت میلیونی هر آن کس که از شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی جان سالم بدر برده بود را فراهم کردند. اینها از حجاریان آزاده اند، چون با اینهمه وفاداری که از خود نشان دادند، با اینکه خالصانه در دفاع از جمهوری اسلامی عرق ریختند، حجاریان "متهمشان کرده" که وطن پرست نیستند. بعنوان ناسیونالیست قبولشان نکرده است. اینهمه تلاش کردند که به جرگه خودی های دوم خرداد پذیرفته شوند ولی "معمار" جنبش دوم خرداد کماکان آنها را غیرخودی می‌شناسد.

نامه حجاریان آه و فغان دو خردادی های خارج کشور را درآورده است، نه از اینرو که پیشروانه و حق بجانب از سرکوب و جنایات جمهوری اسلامی دفاع میکند، بلکه از اینرو که در حمله به اپوزیسیون سرنگونی طلب جمهوری اسلامی، در حمله به حزب کمونیست کارگری از آنها قدردانی نکرده است. خدماتشان را ارج نهاده است، حساب آنها را جدا نکرده است. احساس میکنند که در حملات حجاریان تر و خشک با هم سوخته اند." از بی انصافی حجاریان آزاده شده اند. نامه حجاریان و پاسخ های اعتراضی دوم خردادی های خارج کشور بخوبی استیصال و درماندگی این جنبش را نشان میدهد. جنبش دوم خرداد به پایان خط رسیده است. اینها ۴ سال برای نجات جمهوری اسلامی از ضربات سهمگین مردم تلاش کردند باین امید که با زایلیدن یک جمهوری اسلامی تعدیل شد مردم را به خانه هایشان بفرستند. تلاشهایشان بی نتیجه ماند. اکنون مفلوک و مفلس و حاج و واج مانده اند که دیگر چه ترفندی بزنند.

حجاریان که مدت‌ها امر بر او و برادران و خواهران خارج کشوری مشتبّه شده بود که شاگرد ولتر است، امروز پی برده است که این اداها دیگر فایده ندارد، لذا با صراحت و وقاحت تمام در تحلیل پدیده مهاجرت میلیونی از ایران، از کودتای خونین ۳۰ خرداد دفاع میکنند. و به سبک آشنای دو خردادی از قربانیان این کشتار و قتل عام تاریخی طلبکاری

پرونده ای که بسته میشود**گازم نیکخواه**

تلاشی که چهار سال پیش برای حل بحران و بن بست سیاسی و اقتصادی حکومت اسلامی با پروژه بن بست کامل رسیده است. اکنون شرایط شکست است که دارد به بقایای دوم خرداد دیکته میشود. جناح راست سنتی با رهبری و دخالت آشکارتر خامنه ای و یارگیری از رفسنجانی در میدان یکه تازی میکند.

زمانی دو خردایها صدایشان بلند بود. دفاع نیم بند دو خردایها از آزادی مطبوعات که خواست همه مردم جامعه بود، آنها را در موضع تعرضی قرار داده بود. اما محدودیتهای سیاسی و تاریخی "اصلاح طلبان" مانند همین نیم بند بودن، تنها از آزادی مطبوعات خودی دفاع کردن، ناتوانی از دست زدن به سنگر اصلی راستها یعنی ولایت فقیه بعنوان ضامن تمامیت نظام در برابر مردم معترض، آنها را به بن بست کامل کشاند. جناح راست که با آگاهی از نقطه ضعفهای طرف مقابل تقریباً تمام مطبوعات دو خردادی را تعطیل کرده بود، توپ را به زمین آنها قل داد. بحث و جدل به حوزه اقتصاد و فقر و بیکاری و پاسخ دولت و مجلس به آن کشانده شد. و این در حالی بود که دو خردایها برای خلاصی از محاصره ای که در آن گرفتار آمده بودند دنبال راهی بودند و به این منظور مشغول پیدا کردن و فرموله کردن شرایط سازش و توافق بودند. پیروزی بلامنعاز خاتمی در ۱۸ خرداد و آمار ساختگی درصد بالای رای دهندگان، نور امید را در دلهای مایوس آنها تاباند. اما روشن بود که این شادی و امیدی از سر حماقت و تفهیمی بود.

اکنون دیگر پروژه دو خرداد و خاتمی و جامعه مدنی بطور قطع شکست خورده است. ماجرای تحلیف دور دوم ریاست جمهوری خاتمی در روزهای اخیر پرده ای از آن دیکته کردن شرایط توسط فاتحان بود. معلق کردن مراسم سوگند توسط خامنه ای، خطابه آمرا نه یک شخصیت رده دوم جناح سنتی یعنی رئیس قوه قضائیه خطاب به خاتمی و تهدیدات تحقیر آمیز او نسبت به رئیس جمهور اسلامی بعد از سوگند وفاداری او به نظام و دین رسمی، گوشه ای از سیاست و استراتژی جناح راست را آشکارا به نمایش گذاشت. و نمونه ها در این یکی دو ماهه اخیر کم نبوده اند. حتی یکی از روزنامه

های دست راستی مستقیماً خطاب به وزرای خاتمی و یاران مجلسیست و غیر مستقیم خطاب به خود او نوشت شما که چیزی از اقتصاد نمیدانید چرا کنار نمیروید؟

چرا دوم خرداد شکست خورد؟ نه شکست دو خرداد حاصل ندانم کاری یا اشتباهی تاکتیکی و گریز پذیر بود و نه پیروزی جناح سنتی نتیجه درایت و تیزی آنها. شکست پروژه اصلاحات در جمهوری اسلامی و نجات این رژیم از بن بست همانگونه که ما بارها و از همان ابتدا گفته بودیم محتوم بود. این شکست، شکست جمهوری اسلامی است. شکست سیاست اصلاح و تغییر جمهوری اسلامی است. شکست استراتژی خارج کردن حکومت از بن بست سیاسی و اقتصادی است. شکست خارج کردن حکومت از زیر ضرب اعتراضات اجتماعی نیروی عظیم مردم است. این شکست به معنای آنست که هیچ معجزه ای نمیتواند این حکومت طبقه سرمایه دار را از بحران اقتصادی و سیاسی ای که گریبانگیر آنست نجات دهد. میتوان گفت که دو خردایها نه فقط اشتباهات فاحشی نداشتند بلکه بسیار خوب عمل کردند. آنها توانستند حدود چهار سال برای جمهوری اسلامی وقت بخرند. آنها توانستند بخش اعظم طبقه بورژوازی و سخن گویش را پشت سر خویش و حکومت بخطر کنند. اکثر دولتهای غربی و طرفدار غرب به حمایت از آنها برخاستند. دستگهای تبلیغاتی غرب فعالانه و شب و روز مشغول توهم پراکنی در میان مردم شدند. کمکهای دولتی به اشکال مختلف به سوی ایران جمهوری اسلامی به جریان افتاد. نمایندگان و احزاب بخشهای مختلف بورژوازی ایران به ندای خاتمی و دو خرداد لبیک گفتند. امیدی برای حل بحران حاکمیت بورژوازی در ایران در دلهای همگیشان پا گرفت. طیفهای مختلف اپوزیسیون پراکنده بورژوازی امثال نهضت آزادی، جبهه ملی، طیف توده ای-اکثریتی و بقایای لیبرال چپهای مختلف به سخن گویان و پادوهای فعال و بیشرم جمهوری اسلامی در خارج و درحد توان در داخل ایران تبدیل شدند. دو خرداد حتی جریانات سلطنت طلب و مشروطه خواه را به تلاطم و انشقاق و فکر رها کردن مشروطه شان انداخت و جریانات اصلی آن را به درجات مختلف به حمایت از جمهوری اسلامی نوع خاتمی کشانده شدند. اما با وجود این، پروژه اصلاحات



به شکستی فاحش انجامید. زیرا این پروژه مبیایست انجام شود، بدون اینکه فرصتی برای عرض اندام به نیروی سومی که هیچکدام حاضر به برسمیت شناختن نبودند بدهد. شیخ انقلاب کارگران و مردم و نیروی عظیم جنبش سرنگونی طلب تمام تقلابا برای اصلاحات نیم بند در جمهوری اسلامی را به بن بست کشاند. دو خرداد شکست خورد اما این جنبش سرنگونی طلب و حزب کمونیست کارگری بعنوان رادیکالترین و فعالترین سخن گوی این جنبش است که برنده این روند است. فاتحان حکومتی یعنی جناح سنتی رژیم در واقع بازندگان اصلی نیز هستند. آنها باز به همان نقطه آغاز رسیده اند. حکومتی را قبضه کرده اند که در چنگال بحران و تناقضات و محدودیتهای مهلک خویش اسیر است. این حکومت با تمام معضلات خویش این بار بدون حفاظ و ضربه گیر دو خردادی رودرروی مردمی قرار گرفته است که در میدانند، ضعفهای حکومت را میشناسند، احزاب و جریانات سیاسی را در این چند سال بخوبی شناخته اند، مردمی که نه قصد کوتاه آمدن دارند و نه راهی جز سرنگونی این حکومت پیش پای خویش می بینند. همین جنبش است که چهار سال و اندی پیش حکومت را دو شقه کرد و از پاسداران و اطلاعاتیهای سابق، ژورنالیستهای منتقد حکومت ساخت. و همین جنبش است که انشقاقها و انشعابات عمیق تر و خشن تر و خونین تری را در حکومت دامن میزند. جنبش سرنگونی طلبی این بار مستقیماً کل حکومت را نشانه میگیرد. این جنبش با نیروی عظیم کارگران، زنان، جوانان و همه مردم تشنه رفاه و آزادی بیشک با قاطعیت و استحکام و سرعتی بیش از پیش به پیش خواهد رفت. محتمل تر اینست که این جنبش در این وهله در همان میدانی که حکومتیان خود بدان پا گذارده اند، حکومت اسلامی را نشانه رود. موجی از اعتراضات توده ای و کارگری علیه فقر، بیکاری، دستمزدها، گرانی و بی تأمین رژیم اسلامی را در محاصره خویش قرار خواهد داد. و در صورت گسترش چنین جنبشی کارگران محور اصلی این مبارزه خواهند بود. ■



تلاش اسلامی ها شکست خورد!

اعظم کم گویان

بر اساس آن هر مسلمانی می تواند بعنوان مدعی العموم جامعه از کسی که به زعم او به جامعه اسلامی لطمه زده است شکایت کند و حکم ازدواج او با همسرش را باطل نماید.

سال ۱۹۹۶ جریان اخوان المسلمین بر همین اساس حکم طلاق نصر حامد ابوزید متفکر سکولار مصری را از دادگاه گرفت و او و همسرش ناچار به فرار از مصر و اقامت در هلند شدند. اما این بار جریانات اسلامی در مورد سعداوی شکست خوردند، اینها مدتهاست دیگر توش و توان سابق را از دست داده اند و یک تودهنی محکم از آزادیخواهان و انسان دوستان در سراسر جهان خورند. زیر این فشار بین المللی در ماه مه حکم ارتداد از اسلام علیه نوال سعداوی لغو شد و سپس محاکمه او دو بار در تاریخهای ۱۸ ژوئن و ۹ ژوئیه به تعویق افتاد و سرانجام این محاکمه لغو شد.

جریانات اسلامی در مصر طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ هر نوع تلاشی را برای به عقب راندن جامعه و برقراری یک دولت اسلامی چه به ضرب ترور و ارباب و چه از طرق قانونی انجام دادند، با این حال به جایی نرسیدند. در این دوره بسیاری از روشنفکران و آزادیخواهان مورد حملات مسلحانه اسلامی ها قرار گرفتند حتی به توریستهای غربی هم وحشیانه حمله می کردند. پناه بردن جریانات اسلامی به ابزارهای قانونی در مصر در واقع آخر خط در این پروسه است که آنهم بطرز روز افزونی با شکست روبرو می شود.

کارگران فراهم می آورد. باید فعالانه دخالت کرد و کابوس حضرات را جامعه عمل پوشاند. باید مجامع عمومی و شوراهای واقعی را برپا کرد، برای گرفتن آزادی اعتصاب و تشکل و دیگر مطالبات و برای دخالتگری سیاسی و کمونیستی در تحولات ایران، فعالانه به میدان آمد. ■

بدنیال چند ماه فعالیت "کمپین علیه محاکمه نوال سعداوی" و تلاش سایر نیروهای انساندوست و آزادیخواه روز ۳۰ ژوئیه دادگاه خانواده در مصر محاکمه نوال سعداوی نویسنده و فعال سرشناس حقوق زنان در خاورمیانه را لغو کرد. طی این مدت "کمپین علیه محاکمه نوال سعداوی" که از جانب تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و با مسئولیت من بر پا شد، موفق شد حمایت تعداد زیادی از سازمانها و فعالین سرشناس حقوق زنان در سراسر جهان را جلب کند. طی فقط چند هفته صدها نامه اعتراضی به مقامات مصری سرازیر شد. در مجامع و گردهماییهای متعددی در باره این حرکت ارتجاعی و ضرورت مبارزه علیه آن بحث و روشنگری شد و مقالات و مصاحبه های زیادی در مورد آن در رسانه های مختلف و شبکه های اینترنتی چاپ و پخش شد.

چهار ماه پیش بدنیال مصاحبه نوال سعداوی با هفته نامه عربی ال میدان، جریانات اسلامی که وابسته به گروه ارتجاعی اخوان المسلمین در مصر هستند کمپینی را علیه او آغاز کردند. نبیال وحش یک وکیل اسلامی علیه سعداوی به دادگاه شکایت کرد و براساس ارتداد از اسلام خواهان اجرای حکم اسلامی حربه در مورد وی شد. سعداوی در این مصاحبه انتقاداتی را نسبت به مراسم حج، قانون ارتد از اسلام و حجاب اسلامی طرح کرده بود. حربه یکی از اصول اسلامی در شاخه حنفی مذهب سنی است که

اسلامی تبدیل شده است بطور عینی یک دستاورد مبارزه کارگران و یک پیشروی برای آنها محسوب میشود. پیشروی بیشتر کارگران تنها میتواند شمره گسترش اعتراض آنان علیه کل وضع موجود، کل جمهوری اسلامی و علیه تمام این جانوران اسلامی باشد. دیالوگ اخیر فضای مناسبی برای دخالت

اوج است، حال که حربه سرکوب فقط میتواند به دامن زدن بیشتر اعتراضات کارگری بینجامد، چطور است اگر "اعتصاب و مبارزه صنفی" به رسمیت شناخته شود و در همان حال به شوراهای اسلامی و خانه کارگر و حتی "تشکل های اتحادیه ای" که از دل خانه کارگر فعلی در می آید، میدان داده شود تا اعتراضات کارگری را در چهارچوب قانونی مهار کنند؟ به عبارت دیگر حرف او "حق اعتصاب نیست"، حرف او اینست: "اعتصاب را با سرکوب نمی توان مهار کرد، آنرا قانونی کنید، ما مهار میکنیم".

اما رویاهای "اتحادیه گرایی" چماقدار رند جمهوری اسلامی بر باد است. در بین کارگران، بویژه کارگران رادییکال و سوسیالیست، سابقه و سیاست های ضد کارگری شوراهای اسلامی شناخته شده است. به مجرد بهم خوردن توازن قوا به نفع کارگران، اولین سنگری که جنبش کارگری از آن عبور خواهد کرد همین شوراهای اسلامی خواهند بود. این دقیقاً آن چیزی است که معامله پیشنهادی خانه کارگر را، دستکم در اوضاع فعلی، در نزد دولت دوم خرداد و جناح راست از اعتبار می اندازد. برای مثال همه اینها میدانند که با وجود ممنوع بودن اعتصاب، هر روزه دارد تظاهرات و اعتراضات کارگری صورت میگیرد. اگر حق اعتصاب قانونی شود خانه کارگر که سهل است، امام زمان شان هم ظهور کند قادر به مهار اعتراض رادییکال کارگران نخواهد شد. (روزنامه رسالت در دو روز پیاپی بعد از سخنان محبوب در باره "آوانتوریزم در جنبش کارگری" هشدار داد، و نوشت: "گمان اینکه با تسهیل انجام اعتصاب، مشکلات حل خواهد شد، تا حدودی ساده انگارانه برخورد کردن با موضوع پیچیده ای چون یک جنبش اجتماعی است لذا از مسئولین نهادهای کارگری انتظار

میروید زیر بنای تئوریک خود را قوام و عنای بیشتری بخشند!") جمهوری اسلامی در پس قانونی شدن اعتصاب، همچنانکه رسالت هم بطور ضمنی به آن اذعان میکند، خطر رشد "اپوزیسیون مارکسیست و چپ نظام" را می بیند. اینکه مساله قانونی شدن اعتصاب به موضوع دیالوگ آشکار و علنی دارو دسته های جمهوری

حق اعتصاب ...

از صفحه ۱

او دارد میگوید که تنها راه ممکن برای جمهوری اسلامی در مقابله با اعتراضات کارگری "برسمیت شناخته شدن حق اعتصاب"، "مبارزه صنفی" و "قانونمند شدن" این اعتراضات است.

اما در هشدار به دولت و نظام اش، محبوب منفعت دارو دسته خود یعنی خانه کارگر را نیز دنبال میکنند. با کنار گذاشتن اخیر کمالی از وزارت کار سهم این دار و دسته در دولت کم شده و این جریان را به تکاپو انداخته که فکری برای آینده سیاسی اش بکند. از سوی دیگر چه جناح راست (تحت لوای حزب اسلامی رفاه کارگران) و چه دوم خردادی ها (تحت لوای انجمن های صنفی) هریک دارند برای خودشان باندها و تشکیلات های موازی خانه کارگر که بطور ویژه در رابطه با محیط های کارگری فعال اند، ایجاد میکنند. به عبارت دیگر در بیزنس خانه کارگر که حول سرکوب و مهار اعتراضات کارگری میچرخد، دست دارد زیاد میشود و سکه اینها را ممکن است از رونق بیندازد. لذا محبوب با درک عجز و نگرانی رژیم در برابر تهدید جنبش کارگری میکوشد با یک تیر دو نشان بزند. هم راه حلی جلوی پای حکومت بگذارد و هم موقعیت باند خود را تحکیم بخشد. او دارد تلویحا پیشنهاد معامله ای را به حکومت میدهد: حال که اعتراضات کارگری رو به

کش ملی بدستور شخص وزیر سرکوب شدند و بسیاری به زندان افتادند. که بطور در پانزده سال گذشته "۱۲۰۰ نفر" از فعالین کارگری در سبهاچال های جمهوری اسلامی گرفتار شده اند. که چطور اعتصاب کارگران نفت تهران در سال ۷۵ توسط دولت رفسنجانی، سرکوب شد و دهها کارگر دستگیر شدند. او فاش کرد که در وزارت کشور ارگانهای ویژه ای بنام "کمیسون تامین کارگری" در سطح کشور وجود دارند که وظیفه آنها سرکوب و مقابله با اعتراضات کارگری است. اما چرا این چماقدار با سابقه، کسی که خود بارها "اعتصاب حرام است" را در برابر اعتصابات کارگری نعره زده، امروز چنین حرفهایی میزند و طرفدار "حق اعتصاب کارگران" شده است؟ خود او این نکته را اینطور توضیح میدهد: "امروز ما شش میلیون و چهارصد هزار کارگر ثبت شده داریم. اینها غیر از کسانی است که بیمه نشده اند و ما شمارشان را نمی دانیم. تا زمانی که اعتصاب قانونی نشود، امکان احقاق حقوق کارگران وجود نخواهد داشت. و اگر دیر در این باره اقدام بشود، ممکن است این جنبش به مسائلی منتهی بشود که هرگز هیچ کسی از آن خوشحال نمی شود. او در جای دیگری هشدار میدهد که سرکوب اعتراضات کارگری نظیر اعتصابات اخیر کارگران جامکو و شادانیور برای دولت اسلامی خطرناک است.

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

مریم نمازی: روابط عمومی حزب

Tel: 00447719166731 - Fax: 00448701351303

شهلا دانشفر: دبیر خانه حزب 00447950517465

هاله طاهری، مسئول دبیرخانه کمیته کردستان:

0046 73 61 62 211

بهروز مدرسی - دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England